

## مدینه طیبه

محمد (ص) کافرینش هست خاکش  
هزاران آفرین بر جان پاکش

### دیباچه

رساله‌ای که اکنون در دسترس خوانندگان گرامی قرار می‌گیرد سفرنامه مدینه طیبه رسول الله (ص) است تألیف حاجی محمد میرزا مهندس که در آخر قرن سیزدهم هجری قمری به مکه معظمه رفته است و مشاهدات خود را راجع به بندر ینبع تا مدینه به رشته تحریر درآورده و شامل آگاهیهای تاریخی و جغرافیایی پر ارزشی می‌باشد که نمی‌توان آنرا تنها یادداشتهای مسافری دانست که مشاهدات خود را نگاشته بلکه در تدوین آن از اطلاعات ذهنی نیز کمک گرفته شده است.

نویسنده ابتدا به تعریف «ینبع»<sup>۱</sup> پرداخته سپس به توصیف منازل بین راه اشاره کرده که اولین منزلش «محطه مسهلی»<sup>۲</sup> و دیگر منازل آن عبارت است از: بئر شیخ

---

۱- ینبع نام قریه بزرگی بوده است در کنار دریای سرخ که هوای آن بسیار گرم می‌شود و شب‌ها زیاده دارد و در آن دوران تقریباً دوهزار خانه داشته و آبش از آب‌انبار و آب‌باران تهیه می‌شده، از دولت شصت نفر عسکر پیاده و صد نفر جماره‌سوار دارد. رجوع شود به: روزنامه سفر مدینه السلام و بیت الله الحرام تألیف معتمد الدوله ۱۱۵-۱۱۴.

۲- محطه مسهلی اسم منزلی است که کوه رضوی در شمال آن به فاصله یک فرسنگ یا کمی بیشتر قرار گرفته است.

ابراهیم، قریه حمراء، بئر عباس، بئر شریوف و مدینه طیبه است. آن گاه بتفصیل از مدینه سخن می گوید و چون خود مهندس بوده است جزئیات بنای مسجد الرسول را تشریح می نماید و نکات تاریخی آنها را یاد آور می شود، پس از آن به بیان اطراف مدینه طیبه می پردازد و کوهها، چاهها، چشمه ها، تپه ها و مسجدها و ... را که در آن نواحی واقع شده اند نام می برد. که این گونه آگاهیها برای اهل فن بسیار سودمند است. متأسفانه معلوم نیست که چه حادثه ای پیش می آید که گفتار خود را ناتمام می گذارد.

### درباره نویسنده رساله

گفتیم این رساله به خامة توانای حاجی محمد میرزا مهندس است، چنان که خود در آغاز آن به این امر تصریح می نماید. او در سال ۱۲۹۲ ه. ق. به مکه می رود و در سال ۱۲۹۴ ه. ق. این رساله را می نویسد و دو سال پیش از آن که این اثر را پدید آورد، کتاب مبسوطی در تاریخ و جغرافیای عربستان نگاشته است. او در ابتدای عمر به آموزش زبان و ادب پرداخته، زبان فرانسه و ترکی را یاد گرفته و پس از آن به تعلیم خط پرداخته و سپس علوم ریاضی و هندسی را فرا گرفته است و چون تحصیلاتش به پایان رسیده است برای ساختن قلعه ها و نقشه کشی و ساختن راه و پل و سیاحت و زیارت به ولایات و سرحدات آذربایجان و گیلان و استراباد و گرگان و مازندران و عراق عرب و عراق عجم و قمقاز و اسلامبول و مصر و مکه و مدینه و مسقط و بنادر فارس و بصره و غیره مأمور شده است و نقشه مفصل همه ولایات ذکر شده را ترسیم کرده است.<sup>۳</sup>

حاجی محمد میرزای مهندس کتاب دیگری به نام: جغرافیای رودبار قصران، دارد که نسخه خطی آن در کتابخانه ملی تهران موجود است و تاریخ تألیف آن ۱۲۹۳

هق می باشد. آقای عبدالله انوار در فهرست ملی چنین آورده است: «نویسنده این رساله که سالها در سرحدات ایران مشغول نقشه برداری بوده و از طرف دولت‌های عثمانی و روسی: اغلب از خاک روسیه و عثمانیه و قسطنطنیه و مصر و بیت‌الله الحرام و بیت الرسول الانام و حجاز و فارس و علاوه بر این در آذربایجان و گیلان و گرگان و عراقین عرب و عجم مشغول جان نثاری بوده و به تعیین حدود و نقشه کشی و قلعه سازی و حرکات عسکریه می پرداخته، دو سال قبل احضار دربار معدنمدار گردیده در صفحات لار و دماوند که بیلاق و شکارگاه بود... ۴.

حاجی محمد میرزا مهندس پس از این، یعنی در روز چهارشنبه یازدهم شعبان ۱۳۹۴ هـ. ق «نقشه مدینه طیبه را» با نقشه‌های دیگر عربستان و سایر نقشه‌ها و روزنامه‌ای که در سفر بیت‌الله کشیده و نوشته بود در بیلاق سلطنت آباد شمیران شرفیاب حضور مبارک گردیده، پس از آن که نقشه‌ها و روزنامه از لحاظ انور گذشت بجناب امین السلطان امر فرمودند که دو قطعه از آن نقشه‌ها را که یکی همان مسجد الرسول و دیگری نقشه‌ای از بندر ینبع الی مدینه منوره [گمان می‌رود که مربوط به نسخه ما باشد]... است در میان قاب و پشت آینه بزرگ بگذارند که همیشه در نظر مبارک باشد»<sup>۵</sup>.

در مرآت البلدان ناصری نام سه تن از مهندسان عهد ناصری آمده است:

۱- احمدخان قاجار. ۲- محمدحسن میرزا<sup>۳</sup> حاجی محمد میرزا<sup>۴</sup>. صنیع الدوله نیز همین سه تن را جزء مهندسان این دوره ذکر کرده است<sup>۷</sup>. و اعتماد السلطنه از او به عنوان «حاجی محمد میرزا سرهنگ» یاد کرده است<sup>۸</sup>. آقای احمد گلچین معانی

۴- فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی: ۳۴۵/۲ و ۳۵۵.

۵- صفحه ۱۷ فهرست خود.

۶- مرآت البلدان ناصری، چاپ تهران، ۱۳۰۱ هـ. ق: ۲۰/۱ فهرست کتاب.

۷- مطلع الشمس، تهران، ۱۳۰۳ هـ. ق: ۱۴/۳ فهرست کتاب.

۸- المعاکر والأثار، تهران، سنائی: ۱۲ فهرست کتاب.

عافاه الله تعالی می گوید که : سرهنگ حاجی محمد میرزا مهندس از جمله کسانی بوده است که در تدوین مرآت البلدان ناصری شرکت داشته است و احتمال می رود که همو استاد سرتیب مهندس عبدالرزاق خان بغایری باشد که وقتی مأمور سرحدات ایران برای جمع آوری آمار گردیده بود .

اصولاً اسماء مذکّر به کلمه «میرزا» خاص خاندان قاجار بوده است مانند : عباس میرزا، فرهاد میرزا و ... و ممکن است که نویسنده این سفرنامه نیز به این دودمان منتسب باشد؟

در هر حال نگارنده این سطور شرح حال بیشتری از مؤلف این کتاب به دست نیاورده است، امید آن که اگر توفیقی دست داد بتوانم یادداشتهای خود را در این زمینه تکمیل کنم .

### درباره نسخه خطی این کتاب

نسخه حاضر متعلق به کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد است که به هنگام تهیه فهرست به آن برخوردم، به خط شکسته نستعلیق خوش مؤلف ، ۱۳ سطری ۵/۱۱×۵/۸ سم. پیش نویس اوست که قلم خوردگی در متن و افزودگی در هامش دارد و جای جای اغلاط املائی و انشایی نیز به چشم می خورد، و مؤلف موفق به اتمام آن نگردیده است. نسخه کلاسه دارای ۳۷ برگ ۵/۱۷×۱۱ سم می باشد. تاریخ تحریر ۱۲۹۴ ه.ق. در پشت صفحه اول نگاشته شده : «هو، نسخه اول این کتابچه در بیان راه از بندر ینبع الی مدینه منوره و بیان مدینه و اطرافش می باشد، سیاحت بنده در گاه عالم پناه حاجی محمد میرزا مهندس ۱۲۹۴». چون این سفرنامه حاوی مطالب جالب است و به شناخت پاره ای از ویژگیهای مکانی ناحیه مورد بازدید نویسنده مدد می رساند، لذا نشر آن را مناسب دیده و در اختیار علاقه مندان قرار داده است.

ومن الله التوفیق و علیه التکلان

محمود یزدی مطلق (فاضل)

## تعریف المدینه

چون راه ازینج‌ا الی مدینه طیبه در این سنوٰه مفتوح گردیده لهذا این بنده در گاه عالم پناه، اقل الحاج محمد میرزا مهندس محض استحضار حاج بیت‌الله الحرام و غیره اجمالی از تفصیل آنرا بیان می‌نماید و چون تعیین فراسخ این راه در حالت عبور کاملاً متعذر بود لهذا مقیاس را یکساعت حرکت شتر قرار داد چنانکه در اعراب اهل بادیه رسم و شایع است.

از مطالعه کنندگان معذرت می‌خواهم که از برای حاج بیت‌الله بواسطه توقف جزئی در مکانی، زیاد بر این نمیتواند مطلع شود، وانگهی در همچو مکان شریفی بعد از عمری که میرسد علی‌الدوام باید مشغول نماز و زیارت و عبادت و اصلاح امور دنیا و آخرت شود، ولی این بنده در گاه، قبل از شرفیابی به بیت‌الله و بیت‌الرسول بمیل خاطر مدت دو سال کتاب مبسوطی در جغرافیا و تاریخ عربستان تألیف نموده که اغلب مطالب را قبل از مشرف شدن میدانسته، از شاه‌الله کتاب مزبور پس از بررسی‌های لازم بطبع میرسد که کافه ناس از این اراضی که محل بعوث شدن انبیاء و اوصیاء و نزول ملائکه است مطلع و بهره‌مند شوند، ولی بدون علم و عمل از این قبیل مطالب کسی استحضار بهم نمیرساند که بنویسده چون فدوی از اول ایام صبوت الی زمان رشادت، سکون ضمیرم مهم لغات السنه امم و درک معانی صحیحه خطوط ارباب قلم میبود تا بتعلیم صاحبان ادب و فرهنگ از زبان ترک و تاجیک و بعضی السنه بلاد فرنگ بر حسب

استعداد خود مایه گرفته، پس بیاد گرفتن علوم ریاضی و هندسی و غیره شتافته تا بعون الله از آن علوم مدت بیست سال مهما امکان طرفی بر بسته بعد از اتمام درس و تحصیل الی یومنا هذا بیست سال متوالی است که برای ساختن قلاع و نقشه کشی و ساختن راه و پل و باستانیان دار<sup>۲</sup> دوزنی [شاید: دوزنی<sup>۳</sup>] و سیاحت و زیارت بولایات و سرحدات آذربایجان و گیلان و استرآباد و گرگان و مازندران و عراق عرب و عراق عجم و قفقاس و اسلامبول و مصر و بیت الله و بیت الرسول و مسقط و بنادر فارس و بصره و غیره مأمور بوده و روزنامه و نقشه مفصله همه ولایات مذکوره را برداشته و بقدر قوه انجام قلعه جات سرحدی و راه سازی و غیره را انجام داده که در همه ایران حاضر و موجود است و در این مدت چهل سال کتب زیادی هم ترجمه و تحریر و تألیف نموده من جمله چنانچه عرض شد دو سال اوقات خود را مصروف داشته کتابی در جغرافیا و تاریخ عرب و بیت الله و بیت الرسول که قبله مسلمانان است برشته تحریر در آورده تا همه مسلمانان بهره مند گردند و این اقلیم جزیره العرب که شبه جزیره نیز نامند و دوره اش شش ماه و نیم با کاروان مسافت بود افضل و اشرف از جمیع اراضی زمین است زیرا در این اقلیم بیت الله الحرام و دین اسلام منتشر گردیده و حجاز و یمن و بلده سینا و احقاف<sup>۴</sup> و یسامه<sup>۵</sup> و شجره<sup>۶</sup> و هجره<sup>۷</sup> و عمان و طایف و نجران<sup>۸</sup> و حبر صالح<sup>۹</sup> و دیار عاده<sup>۱۰</sup> و تمود و بئر معطنه<sup>۱۱</sup> و قصر مشید و حبس شداد و قبر هود و دیار کنده<sup>۱۲</sup> و جبل ملی<sup>۱۳</sup> و بیوت قارهین<sup>۱۴</sup> و وادی ایله<sup>۱۵</sup> و جبل سینا و مدین شعیب و عیون موسی و تیه بنی اسرائیل در اینجاست<sup>۱۶</sup>، در این زمین اولیاء راشدین و انبیاء المرسلین و انصار و مهاجرین بوده اند و رایات اسلام از اینجا بسته شده و بجمیع روی زمین مستد گردید و نیز حضرت ابراهیم خلی را باین سمت دعوت فرمودند در این اقلیم است، که از هر یک شرح مفصلی در کتاب خود نوشته و بسبب میل مفرطی که بعنقه بوسی حضرت خاتم الانبیاء صلوات الله و سلامه علیه داشته در تاریخ ۱۳۹۳ بهر حال بود شرفیاب گردیده و امیدوار است که بمضمون آیه مبارکه: «ان الله لایضیح اجر من احسن عملا»<sup>۱۷</sup> مأجور و مشوب باشد، بالاخره اقلیم عرب به دوازده مملکت قسمت میشود که عبارتند از: تهامه<sup>۱۸</sup> و یمن

ونجد<sup>۱۸</sup> و عروض<sup>۱۹</sup> و احقاف و شجر و عمان و هجر و حجاز و نجد حجاز و تھامہ حجاز  
 و یمامہ<sup>۲۰</sup> و بادیه، و در این اقلیم معادن مشہور ندارد مگر معدن سُرَب و نمک معدنی  
 و خاکش عموماً خشک و کم حاصل مگر بعضی از اماکنش حاصل خیز است کہ قلیل گندم  
 و نخل و سایر میوه میکارند، اما محصول موفورش همان قهوه است کہ مخصوص  
 این زمین است و باطراف میبرند، درخت قهوه شبیه بدرخت گیلاس است و رقا و  
 ثرا، ولی شکوفه اش سفید و ثمرش الذر از گیلاس و حصه اش بهم چسبیده و  
 میشکافند قهوه است، و گندم مصری و پنبه و مرصانی و کندر و من<sup>۲۱</sup> و سنای مکی<sup>۲۲</sup>  
 و بایسان<sup>۲۳</sup> و نیل<sup>۲۴</sup> و تریاک و مقل ازرق<sup>۲۵</sup> و زیتون و نی شکر و انجیر و لیمو و ... بعمل  
 آید و مرجان و لعل و عقیق و نیز بخور از قبیل میعه<sup>۲۶</sup> و کافور و قسط<sup>۲۷</sup> و غیره موفور  
 و در این اقلیم انواع حیوانات میشود ولی میمون و سناس<sup>۲۸</sup> زیاد دارد و شتر مرغ  
 و ماخ هم بسیارند کہ بعضی از اعراب میخورند و گورمخر و شتر جمازه<sup>۲۹</sup> بسیار است،  
 گاو و گاو میش بسیار دارد ولی اسب این اقلیم امتیاز از جمیع اسبهای عربی زمین  
 دارد کہ میگویند از تخمه اسبهای اصطلب خاصه حضرت سلیمان نبی است کہ باقیمانده  
 الحق هم هرنسبتی باین اسبها بدهند جا دارد و کلیه اعراب با غیرت و قطاع الطريق  
 و در دزدیدن کمال مهارت را دارند و در عقد اخوت کہ بستند نقض نمی کنند و از میهمان  
 خود هیچ چیز را مضایقه ندارند و اسیر اللوند<sup>۳۰</sup> و سخن را از مخرج ادا نمایند و  
 دقت زیاد در قرائت کلام الله دارند کہ معنی تلاوت قرآن مخصوص بهمین طوایف  
 است و گویند: ما از نواده و دودمان اسماعیل ذبیح الله و اولاد ابراهیم خلیل اللهم  
 و قوت غالب اعراب بدوی شیر و گوشت شتر و گوسفند است و همین اعراب بعد از  
 حضرت ختنی مآب شرق و غرب عالم را متصرف شدند و در اشعار و طبابت و ریاضی  
 و نجوم کمال مهارت را داشته و ارقام هندسی متداولی در همه روی زمین از همان  
 مخترعات اعراب است کہ الی یومنا هذا در میان همه ملل و دول معمول و متداول  
 است، ملبوس<sup>۳۱</sup> صیف و شتاء اهل این اقلیم یکی است و مذہبشان تسنن و مطلق

لغاتشان عربی و بعضی از طوایف آنها جیم را گاف تلفظ میکنند. منط قدیم شان کوفی و حالاً نسق [نسخ] است و مسکوک طلا و نقره هر مملکت در این اقلیم رواج است که بر میدارند. زیاده بر این بیان عربستان در اینجا لازم نیست.

### مطالعات بندر ینبع

آب این بندر از باران و طرف مغرب آن دریا و از بندر بحر الاحمر است و چون تقریباً در تحت منطقه حاره است بسیار گرم است بطوریکه زمستانش از تابستان طهران گرم تر است و شبنم زیاد دارد و تقریباً دارای دوهزار خانه است که همه عربند و از جانب دولت عثمانی هم معدودی نظام و جمازه سوار مأمور هم دارد و حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام در ینبع و ققیاتی دارد که باولاد آن حضرت می رسد و آنها را منازل بنی الحسین نامند و در طرف جنوبی شرقی این بندر فاصله ۲۵ ساعت جبل صبح<sup>۱۲</sup> واقع و راه مدینه طیبه از جنب همین کوه است و جنگ بدر در دامنه آن واقع شده قال الله تعالی و لقد نصرکم الله ببدر<sup>۱۳</sup>. در غربی ینبع فاصله نیم ساعت مزار شیخ زارع که از اولاد حضرت ختمی مآبست واقع شده و در شمال ینبع فاصله نیم ساعت، قدمگاه شیخ سنوسی است که صاحب طریقه شاذلیه است. وسط شمال و مغرب ینبع بعد ده دقیقه قدمگاه شیخ [فواج] واقع است. در جنوب ینبع فاصله ده دقیقه در میان دریا جزیره کم عرض واقع قبر سید العباس که از اولاد حضرت رسول الله است در آنجاست. جبل رضوا<sup>۱۴</sup> در شمال ینبع فاصله دوازده ساعت واقع و از همه جبال اطراف ینبع بزرگتر و طولانی تر است و دارای درهای زیاد و چمن و آب جاری و معدن مس است و برخلاف سایر کوههای آن اطراف آب و آبادی و هوای آنجا خوب است. کیسانیّه را عقیده آنست که حضرت محمد حنیفه در این کوه غیبت کرده، حتی وقائم آل محمد است. جبل مدعه که ملّحیه نیز گویند در شرق ینبع فاصله شش ساعت واقع و کوچکتر از جبل صبح است.



اسکله مدینه طیبہ است و در جنوب و غربی مدینه در کنار بحر الاحمر واقع و حصار و بازار نیز دارد و مسافتش تا بدریا بیست میل است .

راه ینبع الی مدینه طیبہ

از ینبع الی مدینه منوره شش منزل مسافت است .

### منزل اول

محطه مسہالی کہ در سمت شرقی شمال ینبع ببعد پنجساعت واقع و محل عسکر جمازا سوار است ، آبش آب چاه و آب باران هم ذخیره می نمایند و این مسافت همه صحرای بی آب و خارشتر بسیار دارد . و جبل رضوا در شمال این قریه بفاصله هفت ساعت واقع گردیده .

از ینبع الی قریه حمرا کہ ذکرش میشود راه تقریباً در میان شمال و مشرق و از قریه حمرا الی مدینه منوره در جهت شمال مایل بمشرق است ، دیگر در هر نقطه از راه تکرار سمت آن نقطه لازم نیست .

### منزل دوم

بئر شیخ ابراهیم است کہ از قریه مسهله هفده ساعت مسافت دارد ، هشت ساعت کہ از مسهله دور میشوند بدامنه کوه ملحیه میرسند کہ تقریباً هفت الی هشت ذرع مرتفع است و از دامنه کوهسار معروف رضع محسوب است کہ بین ینبع و صفرا<sup>۳۰</sup> است و از اینجا تا منزل نه ساعت مسافت است کہ همه را باید از میان کوهستان عبور نمود کہ سنگلاخ زیاد هم در بین راه دارد ، یکساعت تقریباً بمنزل مانده به بئرسعید میرسند کہ آههم منزل است . از مسهله الی بئر شیخ ابراهیم تمامی این مسافت آب و آبادی ندارد و خارشتر بسیار دارد و جبل صبح در پهلوی راه واقع شده و بتدریج عقب می ماند و بئر مذکور چاهی است کہ عمقش پانزده ذرع و آبش شیرین و شیخ ابراهیم قائم مقام حالیه ینبع در آنجا احداث کرده است و خود مشارالیه مرد معقولی و خیلی با اهل حاج با سلوک است .

### منزل سیم

قریه حمراست که در شرقی شمالی بشر شیخ ابراهیم بفاصله شش ساعت واقع است، یکساعت که از بشر شیخ ابراهیم دور میشوند بزیمینی میرسند که اول دره است مردم در آنجا سنگ بر روی یکدیگر میگذارند. بفاصله دوساعت ونیم از بشر شیخ ابراهیم درست یسار متصل براه بشر بیت شیخ است که آبش قدری شور و مسقف است از این بشر بیت شیخ که میگذرند عبور بمیان عقبه مسمی بدفران است که خیلی تنگ و حدّ مابین ینبع وجدیده است بعد بوادی صغرا سران [یسر] میشوند و کوههای اطراف راه تقریباً سی چهل ذرع مرتفعند، بفاصله سه ساعت ونیم از این چاه درست یسار متصل براه بقعه کوچکی است که مقبره ابو عبیده سعید ابن عم جناب ختمی مآب و اطرافش قبرستان وسیع است که بدامنه کوه متصل میشود آب انباری هم دارد که آب باران در آنجا جمع میشود و در همین نقطه راه ینبع بجاده سلطانی مابین مکه و مدینه ملحق میشود که تقریباً در شمال این نقطه بفاصله دو سه منزل مدینه منوره و در جنوب بیست هفت منزل مکه معظمه واقع است و جبل صغرا در مقابل راه از دور پیدا است که تقریباً بطرف یسار جاده کشیده شده و قریه صغرا در دامنه آن است. بفاصله نیم ساعت از ابو عبیده سعید وارد قریه حمرا میشوند که متصل بسمت یسار جاده آبادی و نخلستان و آب جاری دارد و درست یمین جاده متصل براه مقابل قریه حمرا کوه حمراست و جبل بدر در عقب سر واقع است و در انتهای آبادی این قریه در طرف یسار جاده دولت عثمانی قلعه جهت عکر خود ساخته که بالفعل خراب است و اراضی مابین ینبع و حمرا غالباً محل سکناى عشایر اعراب است و هر کس در حمرا منزل ننساید سه ساعت هم باید برود تا به قریه جدیده برسد.

### منزل چهارم

بشر عباس است که تقریباً ده ساعت از قریه حمراء مسافت دارد بفاصله سه ساعت

از قریہ حمراء از جادہ ہموار سلطانی کہ میروند بقریہ جدیدہ میسرند . میان اعراب مشهور است کہ جدیدہ در منتصف راہ ازینبع بمدینہ منورہ واقع است و از جدیدہ تا بکندر یک منزل است کہ این مسافت وادی مغوریست و چند آبادی ہم دارد، و این قریہ جدیدہ در میان کوه بالای تپہ واقع و تا قلعہ کوه خانہ و آبادی دارد و تقریباً طول نخلستان و آبادی این قریہ نیمساعت و آب جاری بسیار گرم نیز دارد مثل آب معدنی ولی بعد از سرد شدن خوش طعم است، هندوانہ و بستان نیز دارد و دیواری محکم در جدیدہ بمشابه خاکریز در بالای تپہ بطول زیادی کشیدہ شدہ است کہ از پہلوی آن میگذرد و در آخر آبادی دولت عثمانی قلعہ جہت عسکر خود ساختہ و بالفعل مخروبه است . در مقابل این قراولخانہ سمت یمین جادہ در دامنہ کوه مقبرہ جناب تبرخ اسود است . و راہ از جدیدہ بہ بئرعباس تقریباً از شمال دہ درجہ مایل بمشرقست بفاصلہ شش ساعت از جدیدہ کہ ہمہ را از میان درہ تنگی باید گذشت راہ بطرف یسار مایل میگذرد و درہ مزبور وسیع شود بمشابه صحرا میگذرد و بعد از شش ساعت و سہ ربع کہ از جدیدہ میگذرند از میان درہ بیرون آمدہ بہ بئرعباس میسرند و منزل مزبور آبادی ندارد فقط چاهی است کہ محیطش بیست ذرع و عمق آن نیز تقریباً همین قدر ذرعت و از سطح آب تالاب چاہ سنگچین و خیلی محکم ساختہ اند از خارج ہم یکہ دارد تا فعر چاہ میتوان رفت و آب برداشت و نزدیکی آن چاہ سمت یسار جادہ عثمانیہا قلعہ برای عسکر ساختہ اند کہ بالفعل خرابست . و از یساع الی بئرعباس بلکہ تا مدینہ منورہ ہمہ جا در میان راہ و اطراف اشجار جنگلی و مخیلان فراوان است کہ بہترین صنغ عربی از همان درخت مخیلان است کہ بعمل میآید.

### منزل پنجم

بئر شریوف است کہ بفاصلہ پانزدہ ساعت و سہ ربع از بئرعباس فاصلہ دارد بفاصلہ یکساعت از بئرعباس کوه سمت یسار جادہ کہ تقریباً بمسافت نصف میدان است مسعی بکوه و رکال و کوه مقابل مایل بہ یسار بفاصلہ یکساعت تقریباً مسعی

بکوه فقره است بفاصله دوساعت از بئر عباس جلکه تمام میشود و راه داخل دره میگردد که تقریباً ربع میدان فاصله دارد و کوه و رکال درست یمین جاده واقعست که راه از دامنه آن است و کوه فقره درست یسار است بفاصله چهارساعت از بئر عباس درست یمین متصل براه بئر روحا واقعست بفاصله پنجساعت و نیم از بئر عباس راه بسمت یسار منحرف میگردد و کوه فقره نیز درست یسار است بفاصله هفت ساعت از بئر عباس بشعب الحاج میرسند و بفاصله هفت ساعت و نیم از بئر عباس در سمت یسار راه، سنگی است که سوراخی در بالایش دارد و مردم بطرف آن سوراخ سنگ می اندازند و این قاعده از قدیم است و وجهش معلوم نیست، بفاصله هشت ساعت از بئر عباس در وسط جاده سنگی عمودی تقریباً بارتفاع یکذرع و بقطر نیم ذرع نصب کرده اند معلوم نیست برای چیست بفاصله هشت ساعت و نیم از بئر عباس بسمت یسار جاده قبور شهداء غیر معروف واقع است چاهی هم دارد بفاصله پانزده ساعت و سه ربع از بئر عباس درست یسار راه چاهی سنگ چین و عمیق تر از بئر عباس و مسمی به بئر شریوفی است .

### منزل ششم

مدینه منوره است که به بعد نه ساعت و سه ربع از بئر شریوفی فاصله دارد بفاصله سه ساعت از بئر شریوفی سمت یسار راه بفاصله ده ذرع آثار خرابه ایست چهار ذرع در چهار ذرع بفاصله سه ساعت و نیم از بئر شریوفی به تپه سلام میرسند که کوهی است در یمین راه بارتفاع ده دوازده ذرع تقریباً که از قلّه آن گنبد منور حضرت ختمی مآب و گنبد ائمه بقیع پیدا است، مردم در بالای این کوه رفته مواجه گنبد مطهر ایستاده و نگاه می کنند و دعای مخصوص دارد میخوانند، چون از دامنه این کوه الی قلّه که زیاده از چهار صد پانصد قدم نیست صعب و سخت است خیلی لازم است که بانئ پیدا شود و راهش را صاف و هموار نماید که مردم به سهولت بالا روند و دعا و نماز بخوانند، بفاصله هفت ساعت از بئر شریوف درست یمین راه بمسافت صد ذرع تقریباً مسجد

شجره واقعت که ذوالخليفة نامند و نخلستان نیز دارد، آبش از چاههایی است که عمقش تقریباً سه قولاج<sup>۳۶</sup> است و میقاتگناه حاج شامی و مدینه است که حاج در اینجا غسل کرده محرم میشوند و آن مسجد عبارت از چهار دیوار مختصری است که یکطرفش مستقیف و چند درخت نخل دارد و حدیثی از صحیح بخاری در جدار این مسجد نوشته که حضرت ختمی مآب در این مسجد نماز خوانده اند، و درست یسار آن بفاصله ربع میدان تقریباً قریه ایست مسمی به بئر علی که الآن اعراب بهمین اسم مسجد شجره را هم بئر علی و آبار علی میخوانند. قبل از رسیدن بمدینه منوره آثار قلعه خرابه بزرگی است که دیده میشود که گویند قبل از بنای مدینه این حصار را یهودیها ساخته مسکن داشتند، شاید قصور العقیق که حصون العقیق نیز در کتب در نزدیک مدینه ضبط شده است همین جا باشد؟ قبل از وصول بمدینه منوره بفاصله یکساعت کمتر تقریباً مکانی است مشهور بمسجد جرج از این زمین که بالا میروند میلهای گنبد مظهر نمایان است بفاصله نه ساعت و ربع از بئر شریف وارد مدینه منوره میشوند اللهم ارزقنا .

### ذکر مجملی از مدینه الرسول

حدود طرف شرقی مدینه کوهستان و قلعه خیبر و غریش بحر الاحمر و شمالش قلعه مرّ و جنوبش بیت الله الملك الاکبر است، مدینه شهر محکمی است از عربستان در ایالت حجاز در شمالی مکه معظمه بمسافت سیصد و نود کیلومتر که ده منزل است واقع گردیده و در بعضی از کتب نود و پنج اسم از برایش ذکر شده و زیاده از صد خاصیت از خصائص متعلقه بآن بیان شده، یکی از خصائص آن است که هر که بدانجا رسد بوی خوش شنود و عطر در این شهر بیشتر از مواضع دیگر بو دهد و هرگز طاعون نباشد. خود این بنده هوای مدینه را لطف و انور از همه جا دیده روحانیت خاص دارد، بعضی از مورخین گویند که وجه تسمیه اش به یثرب آنستکه: یثرب بن قایر آنرا بنا نموده، چون زبان معجز بیان حضرت سیدالانام بدان نام جاری گردیده

هر آینه بمدینه سمت اشتهار پذیرفته و در بعضی از کتب مدینه السماء نامند و حرم دویم و اشرف بقاع ارض و در مکان مأمونی واقع شده و در وقت سیول امطار آبهای این وادی از حشره بنی سلیم آمده بعد از وادی الغابه گذشته بعد از آن بوادی احمد آمده در اینجا متفرق شود و بدو چاه داخل میگردد که یکی را بئر رومه و یکی را بئر عروه گویند و جبل احد که رنگش قرمز و راهش هموار در طرف شمالی مدینه بمسافت دوساعت کائن و مقبره حضرت حمزه در دامنه آن واقع و از مدینه دومیل بعید است که بزودی ذکرش بیاید، و اکثر زمین مدینه شوره زار و چهار وادی را داراست: وادی بطحان، وادی عقیق اکبر، وادی عقیق اصغر، وادی قنات. وادی بطحان از شمال بجنوب ممتد و طرف غربیش حره و جنگی که در مدینه واقع شده و خندقی که در عهد حضرت رسول الله خفر گردیده از اعلاهی همین وادی است که زمین رمله نجد و آثار آبادی و عمارت بسیار دارد و طرف شرقی وادی بطحان کوه سلح است که منفصل و طولانی و امتداد یک گوشه آن تا نزدیک سور مدینه است که بهمین جهت این دروازه را باب الجبل نامند. در این مدینه جنگ خندق در ماه شوال سال پنجم هجری واقع گردیده که وقعه حزب الاحزاب گویند، چون حضرت امیر مقابل عمرو بن عبدود در روز جنگ خندق ایستاد، حضرت رسول الله فرمودند نور الایمان کله علی الشریک کله و چون عمرو را گشتند حضرت رسول الله (ص) فرمودند ضربه علی فی یوم الخندق افضل من عبادة الثقلین. و اطراف این خندق در آن وقت خانها بوده ولی حالا آبادی ندارد، بالاخره عضدالدوله فنا خسرو دیلمی در مدینه بنای قلعه گذاشته و در خارج سور نیز خانه بسیار است، شاهزاده معتمدالدوله فرمانفرمای فارس در روزنامه سفر مدینه السلام و بیت الحرام مینویسد که قلعه مدینه از محمد بن علی الملقب بجمال الدین المعرف بالجواد الاصفهانی است که بعد سلطان سلیمان تجدید کرده است، شاید این شخص که شاهزاده اسم برده بعد از عضدالدوله باشد؟ و مرقد اسماعیل بن جعفر صادق علیه السلام در پهلوی دیوار قلعه مدینه است و این شهر خیلی کوچکتر از مکه و ولی هوایش سالم آب روان و زروع و نخیل دارد یکی از آبهای

سبک عربستان همین آب یثرب است و قناتی که بمدینه از قریه قبا جاری است عین ذرقا گویند و نخلستانش را از چاه آبیاری نمایند، خرماي مشهوری دارد که مخصوص بمدینه است که تمر بردی و تمر صیحانی گویند که در بلاد دیگر نمیشود، و نیز خرماي سلطانی یک نوع خرمايست که مخصوص مدینه است و نیز حبالبان<sup>۳۸</sup> دارد که بسایر بلاد نقل می نمایند. ششصد و بیست و دو سال بعد از میلاد حضرت مسیح علیه السلام، حضرت رسول الله از مکه بمدینه هجرت فرمودند که تاریخ ما مسلمین از همان وقت است که تاریخ هجری گویند و بقولی در ششصد و سی و دو از میلاد مسیح در مدینه دارفانی را وداع و به دار باقی رحلت فرمودند و حضرت امیر المؤمنین [علی علیه السلام] آن حضرت را غسل داد دفن کردند. و اعظم مزیتی که بر مداین دیگر دارد همین است که در زمان آن حضرت پای تختش و حال مضجع آن حضرت است که مظاف طوایف انام در این شهر و مقام است و نیز ائمه معصومین به غیر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام که در منزل - ابوا - که در مکه و مدینه واقع گردیده و حضرت امام محمد مهدی که در سامره متولد شده مابقی ائمه در مدینه طیبه بوجود آمده اند<sup>۳۹</sup>. طول مدارج شرقی این شهر نسبت به جزایر خالدا ت که مبدا طول منجمین قدیم بوده ۷۵ درجه و بیست دقیقه، و نسبت به دار الخلافه ناصری طهران تقریباً یازده درجه غربی و نسبت به پاریس سی و هفت درجه و سی و نیم دقیقه و نسبت به کراندویچ لندن سی و نه درجه و پنجاه و پنج دقیقه است، و عرض مدارج شمالیش از خط استوا ۲۵ درجه و اطول نهارش سیزده ساعت و ۳۳ دقیقه و انحراف قبله اش از جنوب بطرف مشرق تقریباً ثلث درجه است زیرا که مکه از جنوب مدینه تقریباً ثلث درجه مایل بمشرق است و گویند بطالع سرطان و مستویش زهره و از اقلیم دویم و تعلق بشتری دارد و چهاردهم شهری است که در عربستان بنا گردیده است. شهر مزبور حالا بیست هزار جمعیت را دارد و مسجد محترمی در آنجا برپا [ست] که خود حضرت بنا نموده و در آنجا فریضه بجا می آورده و بعبادت و رسالت اشتغال داشته، ولی بعد از

رحلت آنحضرت در محوطه خانه‌اش بر مسجد اضافه نموده‌اند و این بنده در گاه نقشه آنرا برداشته و تعیین حدودش را نموده چنانکه بزودی مذکور شود.

در زمان حضرت جمیع بیوتی که از اطراف بمسجد در داشته با امر حضرت مسدود نمودند مگر در خانه باب علم حضرت علی را. منبری که آنحضرت بر آن خطبه میخواندند و محرابی که فریضه بجا می‌آوردند محلش در میان مسجد معین است. حدیث صحیح است که میان مرقد و منبر، روضه‌ایست از روضات بهشت. از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ثواب نماز خواندن در مسجد پیغمبر [صلی الله علیه وآله] در مدینه برابر است با ده هزار نماز در جای دیگر. چاه بضاع<sup>۴۰</sup> در مدینه است هر مریض و علیل که از آب آن بخورد و غسل کند شفا یابد. بئر قضاغه و بئر المسک هم که در احادیث آمده شاید همین چاه باشد که حالا باین اسم نامند و حضرت مقدس نبوی آب دهان مبارک خود را در آن چاه افکنده است، چاه اریس<sup>۴۱</sup> نیز در این شهر است. از ابوشامه روایت است که در سنه ۶۴۹ هجری پنجشنبه‌روز متوالی در مدینه زلزله عظیمی شد که تفصیلش در کتاب جغرافیائی که از عربستان نوشته‌ام مذکور است. مکه و مدینه به - حرمین - مشهورند اگرچه قدس خلیل را نیز حرم گویند، اما حرمین مطلق همان مکه و مدینه است، و مدینه را خدای تعالی مدخل صدق خوانده. اصل بنیان قبر شریف و حجره شریفه و ضریح و محراب شریف از بناهای ملک الاشرف قانیبای چراگسه سلطان مصر است که در ذی الحجه الحرام ۸۸۸ هجری بنا نهاده که در اینجا و در بیت الله آثار خیر از او بسیار است و در رجب ۸۷۲ در سریر مصر جلوس و در ذی القعدة نهصدویک هجری در سن ۷۵ سالگی دارفانی را وداع کرده است، اجمال این احوال آنکه در ثلث آخر شب دوازدهم شهر رمضان المبارک سنه ۸۸۶ هجری که موافقین تمجید می نمودند رعد و برق ظاهر شده و صاعقه نزول نموده و بهالین مناره خورد و شق کرده و از آنجا بمناره گرفته و به مسجد شریف سرایت نموده جمیع اسباب مسجد و مصاحف هر چه بوده سوزانیده همین فقط حجره



نبوی صلی الله علیه و آله وسلم و بیوتی که در اطراف مسجد شریف بوده از صدمه و سوختن این برق مستخلص شده این فقره را بدرگاه سلطان قیتبا عرض کردند از آنجا فرستاده گان معتمد تعیین و مهمات و ملزومات را تدارک و روانه داشته و اماکن شکست خورده را کما ینبغی عمارت کردند و در اطراف مسجد شریف نیز مدرسه عالی و رباط بنا نمودند و اسم او نیز در حجره شریفه و ضریح مطهر در پهلوی اسطوانه و خود در پشت محراب شریف مسطور است و مرقد مطهر در میان مشرق و جنوب شهر واقع است و سلطان سلیمان نیز محراب دیگر ساخته است که متصل با اسطوانه هفتم است که ذکرش بیاید، که اسم او را نیز در پشت محراب نوشته اند و بنای این حرم و صحن و مسجد جدید و این استوانهای یکپارچه از سنگ که خیلی خوب ساخته اند از بناهای سلطان عبدالعجیدخان بن سلطان محمودخان است که در عرض پانزده سال بانجام رسانیده و به روضه شریفه که قاتیبای ساخته است هیچ متعرض نشده است و اسم خودش را نیز در هیچ جای از حرم، بنا بر ادب حکم کرده که ننویسند و میگفت چگونه من اسمی از خود در این حرم برم که سلطانم با اینکه مرا یکی از بندگان ذلیل محسوب نمایند فخر من است خوش اعتقاد بوده .

### ذکر مسجد رسول الله بنحو اجمال

این بنده درگاه موافق نقشه که خود کشیده قلمی میدارد انشاء الله عنقریب عکس نقشه خود را بجمیع ممالک اسلام و غیره فرستاده که زینت کتابها و عمارتها و معابد گردد که هیئت مرقد مطهر و مسجد شریف که محل نزول ملائکه است همیشه در نظر ما باشد و در همه جا زیارت نمایند و دعا بدوام دولت اعلیحضرت ولی نعمت کل ممالک ایران نمایند که این سر مشق از آن حضرت آموخته شده و رسیده، زیرا که در روز چهارشنبه نوزدهم شهر شعبان المعظم ۱۲۹۴ همین نقشه با نقشهای دیگر عربستان و غیره با روزنامه که در سفر بیت الله کشیده و نوشته بود خواستند در بیلاق سلطنت آباد شیراز شرفیاب حضور مبارک گردیده پس از آنکه نقشها و روزنامه از

لاحظ انور گذشت بجناب امین السلطان امر فرمودند که دو قطعه از آن نقشه‌ها را که یکی همان مسجد الرسول و دیگری نقشه از بندر ینبع الی مدینه منوره را که شش منزل مسافت است در میان قاب و پشت آینه بزرگ بگذارند که همیشه در نظر مبارک باشد. و مسجد رسول مختصراً عبارت است از ضریح مطهر که در مقابل ضلع شرقی مسجد واقع است فقط به فاصله یک رواق و مسجد مستطف در غربی ضریح مطهر و وسعتش زیاد است و صحن در طرف شمالی مایل به مغرب ضریح است که شرحشان بیان می‌شود.

ضلع جنوبی تقریباً صد و بیست و هشت قدم طول هفده ستون و جزر ۴ سنگی و دو رواق هفت قدم عرض دارد و جمیع ستونها و دیوار و سقف مسجد از سنگ است در هر جا محتاج بیان نیست، و مقیاس مسجد رسول الله از این قرار است که در مسجد مستطف بُعد مابین ستونها هفت قدم و فاصله ستونهای اطراف صحن نه قدم است و سه قدم تقریباً دو ذرع شاه ۴ است پس از همین مقیاس جمیع ابعاد نقشه مسجد را میتوان دانست که نسبت بهم چه قدر بُعد دارند.

ضلع غربی دو بیست و بیست قدم طول و بیست و هفت ستون و جزر دارد. در اول ضلع که جنوب و غرب است درب مسجد است که باب السلام و در صد قدمی درب دیگر مسجد است که باب الرحمه و این امتداد یک رواق هفت قدم عرض و بعد از باب الرحمه سه رواق نه قدم عرض در مقابل صحن مطهر دارد.

ضلع شمالی صد و بیست قدم طول و سیزده ستون و جزر و دو رواق نه قدم عرض دارد و در آخر ضلع دو زاویه شمال و شرق است. مسجد را دری است که قدیماً باب توسل و الحال باب مجیدی گویند.

### دقیقه

ضلع شمالی تقریباً هشت قدم از ضلع جنوبی مقابل خود بسبب پیش آمدن دیوار شرقی از باب نساء الی باب مجیدی بسیار مسجد کوتاه تر شده است.

ضلع شرقی دو بیست و بیست قدم طول و دوازده ستون و جرز و دو رواق نه قدم عرض دارد که بعد از این دوازده ستون صحن مطهر تمام و داخل مسجد مستقف و حرم مطهر و ضریح مبارک میشوند که بعد از این دوازده ستون مقابل صحن مطهر یازده ستون و جرز الی ضلع جنوبی دارد، پس جمیعاً ضلع شرقی بنا بر این بیست و هفت ستون و جرز دارد و در این ضلع شرقی در مقابل ضریح دو درب مسجد است که باب النساء و باب جبرئیل نامند. طول ضریح مطهر از باب جبرئیل از شمال بطرف جنوب شش دهنه و تقریباً ۵۶ قدم و عرضش از مشرق بمغرب چهار دهنه و سی و چهار قدم است. و عرض مسجد جدید مبارک از شمال بجنوب شش ستون و طولش از مشرق بمغرب هفت ستون است که جمیعاً چهل و دو ستون میشود. این سعه که عبارت از روضه مبارکه و فضای مسجد رسول الله بوده است واحد حرم جدید که بعد از خلفاء بمسجد اضافه کرده اند در طول نه ستون و در عرض شش ستون که جمیعاً پنجاه و چهار ستون است و در اواخر که ما نیز بر مسجد اضافه کرده اند چنانکه مذکور شد عرض از مشرق بمغرب پانزده ستون و طول از شمال بجنوب بیست و پنج ستون است که مضروبش سیصد و هشتاد و پنج ستون میشود بدون جرز دیوارها، ولی وسعت صحن مطهر و حرم و بعضی از ستونهای دیگر اسقاط میشود که از روی نقشه حسابش معلوم میشود که چند ستون دارد. قبر مطهر بلند و مستور از پرده که احدی بیچشم خود قبر را نمی بیند و میگویند حدیث در این خصوص وارد است که نباید کسی چشمش بقبر مطهر بیفتد و ضریح مطهر هیچ در ندارد مگر چهار در از اطراف که سه در از همان روضه حضرت زهرا یکی بطرف شمال که اغلب بسته و دو در پهلوی هم رو بمشرق که دو قدم نیز عقب تر است بدین جهت جلو درب و سعته بهم رسانیده، گاهی خواجهای حرم از برای جاروب کردن و چراغ گذاردن اول بمقبره حضرت زهرا بعد از آنجا داخل مرقم مطهر میشوند و بغیر از این خواجهای احدی قادر بر دخول صحن مطهر نیست و دری هم از طرف مغرب مابین اسطوانه حرس که محرس نیز نامند و اسطوانه

وفود دارد که همیشه بسته است .

### دقیقه

چندین مجموعه بخور در روزه مبارکه است که رویشان مجموعه پوشهای مفتول انداخته اند که در هر سال روز نوزدهم ذی القعدة الحرام با احترام تمام بخورات مزبور را عوض میکنند و بخورات قدیم را خادمین حرم میان خود تقسیم می نمایند .

### ذکر مسجد حضرت رسول الله (ص) بنحو تفصیل

ضلع جنوبی که مذکور شد ۱۲۸ قدم طول پانزده ستون و دوجرز سنگی بدیوارهای طرفین و دو رواق دارد ، شرحش ازینقرار است : محازی ستون اول بیعد سه قدم از آن ستون در زاویه جنوب و شرق مسجد انباری است که بمیان رواق دو، در دارد، یکدرش رو بشمال و یکدرش رو بمغرب، که این در غربی منسوب بدرب بلال<sup>۴۴</sup> است، گویند در عهد حضرت رسول الله [ص] حضرت بلال از این در بیام مسجد میرفته و اذان میگفته و الآن هم در اینجا مناری هست مسمی بمناره رأسیه بمناسبت اینکه در بالای سر حضرت پیغمبر (ص) واقع است و از میان همین انبار پله دارد که بالایش میروند و در میانش اذان میگویند، مقابل ستون دویم و سیم در بالای دیوار جنوبی مسجد، پنجره ایست، گویند که محل باب عَشْرَةَ مُبَشَّرَه<sup>۴۵</sup>، بوده، مقابل شمالی ستون چهارم عرض ضریح مبارک تمام میشود که عبارت از سه پنجره برنجی است و دو ستون مرمر در وسط آنها است و دویی، چهار قدم عرض، سنگی هم در طرفین ضریح دارد و در طول شش پنجره فولادی است که برنگ سبز کرده اند و در شبها دو شمعدان مرصع پشت این پنجره برنجی میگذارند و بغیر از این شمعدانها، زینت دیگر، مرقد مطهر ندارد .

### تنبیه

از پهلوی ضریح الی محاذی رواق باب السلام که انتهای همین ضلع جنوبی

است مابین ستونهای این امتداد را به بلندی يك ذرع با لوله‌های برنجی مثل محجره بسته‌اند و در این امتداد در پنج در جا گذارده‌اند وقت نماز این درها را می‌بندند تا کسی از رواق جنوبی بغیر از این درها نتواند داخل مسجد بشود، چون اهل تسنن نمی‌گذارند وقت نماز از محاذی کسی که نماز می‌گذارد بگذرند، مابین ستون ششم و هفتم یکی از این درهای محجره برنجی است و پهلوی این در اول محراب حضرت و مقابل ستون هفتم منبر پیغمبر است و پهلوی منبر مابین ستون هفتم و هشتم یکی از درهای دیگر محجره برنجی است و دو درب دیگر این محجره در طرفین محراب سلطان سلیمان و یکدوهم دوستون با آخر ضلع جنوبی مانده دارد.

#### ملاحظه

در مقابل محراب حضرت در میان دیوار جنوبی محراب بزرگش نیز گویند و بخصوص مابین این دو محراب در رواق ستون هفتم را نگذاشته‌اند که بدین جهت در رواق وسعتی بهم رسانیده، در سقف مسجد همین سعه چهل چراغ بزرگی آویخته‌اند.

#### نکته

برای آنکه مابین حرم مبارک و مسجد شریف فرقی باشد در اسطواناتها فرق گذاشته‌اند یعنی کمر ستونهای حرم را با سنگ مرمر سفید متضلع که خیارها [شاید: شیارها] دار باشد بسته‌اند و مابقی ستونهای مسجد این وضع را ندارد، همان یکپارچه از سنگ است و عرض مسجد مبارک چنانچه ذکر شد که بطرف شمال و جنوب است شش ستون دارد که دو پایه آنها مربع و چهار ستون دیگرش مدور است و در بالای اسطوانه اول و دویم و سیم نوشته‌اند: اسطوانه سریره، و اسطوانه حرس، که صحیحش محرس و اسطوانه وفود، طول مسجد مبارک که بطرف شرق و غرب است هفت اسطوانه است که یکی پایه‌اش مربع و شش اسطوانه متضلع است که در اسطوانه اول و دویم ردیف دویم که مقابل ضریح واقع است نوشته‌اند اسطوانه توبه در همان

اسطوانه ابی لبابه است و اسطوانه عایشه که در جنب اسطوانه مخلقه است و اسطوانه حنانه مجاذی پله اول منبر شریف است .

و اصل ضریح و گنبد مطهر چنانکه ذکر شد از بنای قاتیبای است که ضریح عبارت از شش دهنه است طولاً و سه دهنه است غرباً و سه دهنه جنوبی چنانچه ذکر شد شبکه برنجی و سه طرف دیگر فولادی است که رنگ سبز کرده اند و چهار پایه مربع محکم سنگی چهار قدم در چهار طرف دارد که بنیان گنبد مطهر قبر مبارک روی این چهار پایه است و چنان محکم ساخته اند که پایه طاق مسجد را هم بر روی آن گذاشته اند و دو پایه دیگر هم دارد که خانه حضرت فاطمه علیها السلام و با احتمال قبر مبارک ایشان است پس معلوم شد که این دو ضریح یکی و شش پایه دارد و بشکل مستطیل است و باقی اراضی از طرف شمال که بحرم اضافه شده مرحوم سلطان عبدالمجید خان علاوه کرده و زمینهای پست و بلند را تسطیح نموده و اکنون تمام اسطوانتهای روضه و حرم مبارک و اطراف صحن مطهر با نصف ستونهای مربع دیوارها زیاده از سیصد و پنجاه ستون است، چنانچه گفتیم محققاً از روی نقشه معلوم میشود . مقابل ستون دهم سلطان سلیمان بن بایزید عثمانی محرابی ساخته است، از ستون دهم الی آخر ضلع جنوبی چنانکه ذکر شد زاید بر مسجد حضرت و حرم جدیدی است که بغداد حضرت مسجد را وسعت داده اند .

### دقیقه

طرف شمالی محراب رسول الله [ص] بفاصله سه ستون از محراب کمر چهار ستون را با تخته بسته اند که مؤذن و مکبر بالای شش رفته اذان و تکبیر میگویند . و در طرف شمال مایل بمشرق این مأذنه بفاصله چهار ستون بهمان طور تخته بندی کرده و مأذنه حضرت بلال علیه السلام است .

### ملاحظه

دیوار جنوبی مسجد از ستون اول الی ستون سیزدهم طاق رواق را در زد

خیلی استادی بکار برده‌اند که اجمالش از اینقرار است این چند چشمه طاق يك پایه‌اش را همان روی ستون سنگی رواق و پایه دیگرش را بر روی سرزبانه بالای دیوار جنوبی که پیش آورده‌اند بدون پیش آوردن سرزبانه از پایین پی زده‌اند و مابقی طاق متصل بدیوارهای مسجد را بقاعده زده‌اند یکپایه طاق را روی ستون و پایه دیگر بالای سرزبانه پی است .

ضلع غربی که دو بیست و بیست قدم طول و بیست و شش ستون و جرز دارد تفصیلش این است: در زاویه جنوب و مغرب مسجد مخزنی است برای اسباب و متصل بآن مخزن - باب السلام - است و از این زاویه الی وسط باب الرحمه که صد قدم طول دارد در اول زاویه جرز و یازده ستون و يك رواق هفت قدم عرض دارد و میان و دقتی ندارد مگر از محاذی ستون هفتم و هشتم که بضلع شرقی نگاه میکنی باب جبرئیل واقع شده است و در میان دیوار غربی مزبور بقطر يك و جب و بیشتر دو لایحه‌های متعدد از برای خادمین حرم گذاشته‌اند که اسباب بگذارند و از وسط باب الرحمه الی آخر ضلع غربی صد و بیست قدم طول و سه رواق نه قدم عرض و چهارده ستون و جرز سنگی و مقابل صحن میباشد که شرحش از اینقرار است؛ برابر ستون یازدهم و دوازدهم باب الرحمه است که مقابلش در ضلع شرقی باب نساء واقع گردیده و از باب الرحمه الی آخر ضلع غربی چنانچه ذکر شد سه رواق نه قدم عرض دارد و در جنب این رواقها صحن مطهر است ولی ضلع شمالی و شرقی متصل بصحن دو رواق دارد که عنقریب بیان میشود .

### ملاحظه

ستون یازدهم را که مقابل باب الرحمه است گویا بسلاطه وسعت جلو درب بقدر دو قدم تقریباً بمیان مسجد یعنی طرف شرق پیش برده‌اند بدین جهت رواق از باب الرحمه الی آخر ضلع غربی نه قدم عرض بهم رسانیده و از برای تغییر همین ستون

و دو ستون بعد از آن است که اغلب ستونهای مسجد مسقف و ستونهای شمالی صحن از محاذات هم تقریباً بیرون رفته اند. ضلع شمالی صد و بیست قدم طول و یازده ستون و دوجرز سنگی در طرفین ضلع و دو رواق نه قدم عرض دارد و مقابلش صحن مطهر و تفصیلش از این قرار است: در زاویه شمال و مغرب انباری است که درب مناره سلیمانیه که ذکرش بیاید از پهلوی این انبار است و در پهلوی این انبار متصلاً مخزن کوچکی هم در میان دیوار از برای گذاردن اسباب ساخته اند محاذی ستون سیم و چهارم در میان دیوار جائی درست کرده اند که شمع و مایحتاج را میگذارند مقابل ستون ششم و هفتم نیز در میان دیوار جائی از برای غسل کردن ساخته اند در محاذی ستون نهم و دهم باب توسل است که باب بسیار عالی سلطان عبدالمجیدخان عثمانی ساخته و جلو خان خیلی خوبی دارد که در هر طرفش سه اطاق متصل بهم از برای مستحفظین حرم و مسجد ساخته اند و الآن این باب، مشهور با اسم سلطان عبدالمجیدخان است، پهلوی این باب در زاویه شمال و مشرق انباری است که رو بمغرب دری دارد که از این در بالای مناره سلطان عبدالمجیدخان میروند.

ضلع شرقی دویست و بیست قدم طول و دوازده ستون و جرز و دو رواق نه قدم عرض دارد و در مقابل صحن واقع گردیده و این دو رواق را مسجد زنانه کرده اند یعنی از محاذی ستون دویم باب مجیدی دیواری بقدر قامت انسان در فاصله ستونها کشیده شده و رواقین را تا آخر صحن مسجد زنانه کرده اند و در این امتداد نیز دو درب مشبک چوبی دارد یکی مابین ستون چهارم و پنجم و یکی مابین ستون هفتم و هشتم است، و در محاذی ستون هشتم و نهم و نصف دهم بقاصله هفت قدم از ستون کنار صحن باغچه در میان صحن واقع است که شش درخت نخل و غیره بسیار خوش وضع دارد، و در جنب جنوبی این باغچه چاه آبی است بقدر چهار پنج ذرع ریسمان میرد آب دارد و بئر الرسول نامند و گویند این موضع خانه حضرت امیر المؤمنین [علی] علیه السلام بوده است، لهذا الآن هم باغچه مزبور مشهور باغچه حضرت فاطمه علیها السلام است و بعد از ستون دوازدهم از صحن داخل مسجد مسقف میشوند که تا آخر ضلع جنوبی



پانزده ستون و جز است. پس مجموع ضلع شرقی چه صحن و چه مسجد مسقف بیست و هفت ستون و جز است مقابل ستون سیزدهم و چهاردهم در دیوار شرقی باب نساء است که دخلی بصحن ندارد و داخل مسجد مسقف است و برابر ستون هفدهم باب جبرئیل نیز در دیوار شرقی است و محاذی باب نساء و باب جبرئیل يك رواق نه قدم عرض و محاذی در مزبور ضریح مطهر واقع است .

### ملاحظه

در پشت شمالی ضریح مطهر حضرت بتول ایوانی است با ارتفاع يك پله از زمین که مردم روی این ایوان و پشت ضریح مطهر حضرت بتول ایستاده زیارت و نماز میخوانند و دعا می کنند و دری هم دارد که خادمین حرم گاهی از برای چراغ گذاردن و غیره بمیان ضریح بتول و از اینجا بمقبره حضرت رسول میروند .

### دقیقه

از برای وسعت بهم رسانیدن مقابل باب جبرئیل يك ستون مقابل این باب را در میان مسجد نزده اند بدین جهت مقابل در مزبور وسعت بهم رسانیده است و در محاذی باب جبرئیل شش دهنه ضریح مطهر واقع است که دو دهنه اش درب روضه حضرت زهرا که بقدر دو قدم عقب تر از چهار دهنه دیگر ضریح است که بدین سبب جلو درب روضه بتول وسعت بهم رسانیده مردم پشت در مزبور ایستاده و زیارت حضرت بتول را میخوانند، و چهار دهنه دیگر ضریح متعلق بحضرت رسول الله است و در میانه این دو دهنه روضه حضرت زهرا است يك ستون کاشی کاری و طرفین این ستون دو در متصل است که یکی محسوب میشود و از این در داخل روضه صدیقه طاهره و از آنجا بمقبره حضرت رسول الله میروند و چهار دهنه دیگر ضریح مطهر دو پی چهار قدم عرض در طرفین و دو پی دو قدم عرض در وسط ضریح دارد و دو ستون مرمر در میان این دو پی کوچک و بهمین طریق است طرف مقابل ضریح الا اینکه طرف مقابل يك در مقابل

نیز بسیار ضریح دارد. میانه باب نساء و باب جبرئیل بقدر يك پله زمین مسجد را بلند نموده، سگتو و اطافی ساخته‌اند که مسکن و مخزن خواجه‌های (خواجهای) حرم است.

### توضیح

در مقابل این چهاردهنه ضریح بالای دیوار شرقی سه پنجره است که ابواب نزول ملائکه گویند، دو پنجره‌اش مقابل ضریح مطهر حضرت رسول الله [ص] و يك پنجره‌اش مقابل باب السلام است، که گویند از این درها حضرت میکائیل و اسرافیل و عزرائیل حضرت رسول الله [ص] نازل می‌شده‌اند؛ لهذا هر کدام از این درها باسم یکی از ملائکه موسومند.

### ملاحظه

علاوه بر چارها و چهل چراغهای مسجد مطهر از هر دهنه طاق هم سه چراغ آویزان است که با روغن زیتون میسوزد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### در بیان منارهای مسجد

مسجد مطهر پنج مناره دارد، یکی بالای سر حضرت که مناره رأسیه نامند و راهش چنانکه مذکور شد از زاویه جنوب و مشرق مسجد است که مأذنه حضرت بلال بوده است و در بالای باب السلام و باب الرحمه و باب مجیدی نیز هر يك مناره ایست باسم همان باب و مناره [ای] هم در زاویه شمال و مغرب مسجد است و راهش هم از همین زاویه است که مناره سلیمانیه نامند، در زمانی که حاج [= حاجیان] شامی از شام وارد مدینه میشوند و آن سه شبی که در مدینه منوره توقف دارند رسم است که این مناره را از بالا تا پایین چراغان می‌نمایند.

### قبہ‌های مسجد

در مسجد رسول الله دو قبہ است یکی از فولاد در بالای سر مبارک حضرت و قبہ دیگر بالای رواق محاذی محراب .

### ذکر اجمالی از اماکنی که در میان مدینه طیبہ واقع گردیده

در میان جنوب و مشرق حرم رسول الله بے‌سده دقیقه تقریباً متصل بخارج قلعه شهر قبرستان بقیع واقع گردیده که طولش چهار صد قدم و عرضش سی صد قدم که در این طول و عرض دیوار مخروطی کوتاهی دارد و ساختن این دیوار بسیار لازم است که مسلمان بزودی بانی شده است در انجامش گمارند که چنین قبرستانی که تالی ندارد اینطور مخروطی نباشد و چندان مخارج هم ندارد، و در جنوب و مغرب این قبرستان فقط اطراف ساخته اند که مقبره چهار امام بزرگوار؛ امام حسن مجتبی علیه السلام، امام زین العابدین علیه السلام، امام محمد باقر علیه السلام امام جعفر صادق علیه السلام و عباس عم حضرت رسول است که این چهار امام در یک صندوق و عباس هم در یک صندوق است ولی این دو صندوق را در میان یک صندوق گذارده اند و در این بقعه مجتبیاً مضجع جدّه ائمه اطهار میباشد و چند اطاق کوچک هم در اطراف شمالی ائمه بقیع دارد که مقبره بعضی از زوجات و اولاد و اعتماد حضرت رسالت است و هشت نفر هم از زوجات حضرت در یک ضریح و اسامی آنها بالای قبرستان در روی تخته نوشته اند و بنات رسول الله ام کلثوم و رقیه و زینب هم در یک بقعه میباشند و در آخر زاویه شمال و مشرق قبرستان بقیع حلیمه السدیّه دایه حضرت رسول الله مدفون و بقعه هم دارد، و بیت الاحزان در بقیع و مقبره فاطمه بنت اسد و الدّه حضرت امیر المؤمنین خارج از دیوار بقیع واقع گردیده که حضرت رسول در قبر او داخل شده است .

در میان جنوب و مغرب مسجد رسول الله در میان شهر در سوق الطوال بفاصله سه دقیقه سیدنا عبدالله پدر حضرت رسول الله مدفون است معروف به بیت ابی النبی،

و در پهلویش سیدنا مالک علمدار رسول پروردگار مدفونست و يك بقعه خوبی دارد و مصلی در میان مسجد مصلی است که آنرا مسجد قمامه نیز گویند که در خارج سَور شهر بفاصله چهار پنج دقیقه در جهت جنوب و مغرب مدینه واقع گردیده و متصل بدین مسجد قریب بهم [نویسنده دوسطر را قلم زده است] و مسجد حضرت بلال واقع است .

### بیان اطراف مدینه منوره

جبل احد در طرف شمالی مدینه بفاصله دو ساعت واقع و این کوه منفصل و رنگش قرمز و در طرف شمال شرقش اقرب بمدینه است و در حول و حوشش مزارع اهل مدینه میباشد و در امتداد راه احد تل مسمی بسنع واقع است که غاری هم در این کوه سلع است بعضی منسوب بحضرت رسول الله و بعضی منسوب بحضرت ولی الله میدانند و کوه سلع نیز منقطع و مابین شمال و مغرب مدینه و در شرقی وادی بطمان واقع گردیده و قبر محمد صاحب نفس الزکیه ابن عبدالله الحسن بن الحسن علیه السلام در نزدیکی کوه سلع واقع است و ثنّیات الوداع اسم دوتپه کوچکی است که یکی از آنها اتصال بسلع دارد . مابین شمال و مغرب مدینه بفاصله ربع ساعت مسجد الفتح پیغمبر می باشد و مشهور است که سوره مبارکه انا فتحنا لك فتحاً مبیناً در اینجا بحضرت نازل گردیده و در پهلویش مسجد حضرت سلمان فارسی رضی الله تعالی عنه کائن است و مسجد فتح در دامنه غربی کوه سلع است که بطرف وادی است و کوه مزبور فاصله میان مدینه منوره و مسجد فتح است که آنرا مسجد احزاب و مسجد اعلی نیز گویند و در طرف قبله مسجد فتح چهار مسجد دیگر است که همه را مساجد فتح گویند و راه شام که حجاج و قوافل میآیند از مابین کوه احد و سلع از قریه برکه است و قلعه توپخانه در بالای کوهی است که مجاور کوه سلع است و مشرف بر میدان است که در آنجا حجاج شام منزل میکنند چنانچه مذکور شد بزبان عربی مناخه گویند یعنی بارانداز و نیز قریه معروف بصدفه در راه احد واقع و در حوش این قراء بیعد یکساعت و کمتر متوالیاً واقع گردیده است؛ العیون، ام صدیره، الغابه، بئرکه چنانچه بیان شد از

بر کہ عبور حاج شامی است بفاصله سه ربع ساعت از مدینه مرقد حضرت حمزہ سید الشهداء اسدالله و اسد رسولہ علیہ السلام واقع و در شمالش بیعد پانصد قدم تقریباً محل صدمہ خوردن دندان مبارک حضرت رسول الله و مابین این دو محل طرف شرقی متصل براه قبور شهداء فی سبیل الله <sup>۱</sup> احد است . و از قار حضرت حمزہ الی پای دامنه کوه <sup>۲</sup> احد تقریباً یکساعت مسافت و کوه <sup>۳</sup> احد در اینجا تقریباً بشکل مثلث افتاده و در ۸۱۶ قدمی مقبره حضرت حمزہ در انتهای دره مسجدی است که حضرت رسول الله در روز جنگ <sup>۴</sup> احد در حالت مجروح و تنهایی در این مکانی که مسجد است نماز خوانده اند، و حضرت صادق علیہ السلام بر عقبه بن خالد فرمودند که در این مسجد نماز بخوان و اینجا همان دره ایست که در روز جنگ <sup>۵</sup> احد حضرت رسول الله بکمان داران سپرده بودند که آنرا محافظت نمایند آنها بطمع غنیمت از این محل رفتند و مخالفین، این دره را گرفتند و شکست بر لشکر اسلام وارد آوردند . مقبره حضرت حمزہ را سلطان عبدالمجید خان عثمانی خیلی خوب ساخته ولی از شهداء <sup>۶</sup> احد بغیر از حضرت حمزہ سید الشهداء و عبدالله بن جحش که برادر زینب زوجه حضرت رسول الله که خواهرزاده حضرت حمزہ است اسم شهید دیگر معروف نیست، بهتر این بود که در سر مقبره این شهداء فی سبیل الله اسمای آنها را مرقوم میکردند تا مردم بدانند اینها کیستند که باین ثبات قدم در رکاب ظفر انتساب حضرت رسول الله جان دادند، و غزوه <sup>۷</sup> احد در ماه شوال المکرم سال سیّم هجری واقع شده و آیه : لیس لك من الامر شیء و غیرها در حق این جنگ نازل گردیده و حضرت حمزہ بعز شهادت فایز گردیده، الی یومنا هذا در همین ماه اعراب بسیار از اطراف بسر مقبره حضرت حمزہ آمده چند شب و روز مشغول گریه و زاری و عزاداری و نوحه و اطعام طعام میباشند . و در همین جنگ بدندان مبارک نبوی صدمه خورد و حضرت امیر المؤمنین علیہ السلام پای ثبات فشرده که از شدت جهاد شمشیرش شکست و حضرت پیغمبر ذوالفقار باو عنایت فرمود : ولا فتی إلاّ علی لاسیف إلاّ ذوالفقار را جبرئیل از جانب رب جلیل آورده

و حضرت امیر فرمودند در این جنگ شانزده ضربت بمن رسید که در چهار ضربت آن بپاک افتادم و هر دفعه که میافتادم مرد خوش روی خوش موی بازوی مرا گرفته میگفت سوار شو یاری کن پیغمبر خود را که دوست میدارد ترا خدا و رسول او، بعد از غزا این واقعه را بعرض نبوی رسانیده فرمودند آن شخص جبرئیل امین بود و تفصیل این جنگ در همه کتب مرقوم و منظور ما در این کتابچه این بیانات نیست.

در شمال بیست درجه بسمت مغرب بربع ساعت فاصله در بیرون قلعه مدینه، تلمی است مسمی بقبرین در بالایش جائی ساخته اند که مردم بدانجا رفته شهر را تماشا مینمایند [ . . . دوسطر را قلم زده است ] مسجدی است که اهل مدینه مسجد قبلتین نامند و گویند حضرت پیغمبر [ ص ] در این مسجد بدو قبله نماز خوانده اند و مسجد مزبور از مدینه تقریباً بعدش یکساعت است.

در مغرب مدینه بفاصله دوساعت کوه احمر واقع گردیده که بترعلی و مسجد شجره که میقاتگاه حاج شامی و مدنی است در دامنه این کوه کائن است که از این مسجد از برای عثمه حجة الاسلام مجرم میشوند، و در طرف مغرب بترعلی بسافت یکساعت قریه علاوه موضوع است و در مغرب حقیقی مدینه کوه و غیره کامیر است که وراء همه جبال و از شمال بجنوب مستد و منفصل و تا مدینه تقریباً یک فرسخ و نیم است، و کوه احد از همه خیال اطراف مدینه مرتفعتر است، بدین جهت در وقت طلوع آفتاب اول بر آنها می تابد چنانچه هنگامی که بنده در گاه عالم پناه در مدینه منوره مشرف بوده در اول جدی ۱۳۹۲ هجری شاهزاده حاجی معتمد الدوله امتحان فرموده بودند اول جدی، آفتاب یکساعت و بیست و هشت دقیقه از دسته گذشته بر کوه احد و غیره و کامیر تابیده بعد از چهار دقیقه بر مناره های حرم مبارک طالع شد. در سمت جنوبی مدینه بسافت سه ربع ساعت مسجد قبا در میان قریه بزرگی بهمین اسم واقع است که آیه مبارکه: *للمسجد الحرام علی التقوی من اول یوم*... در حق این مسجد نازل گردیده و خانهای انصار در این قریه بوده. و از مدینه تا مسجد قبا تمام باغستان خرما است و از دروازه که بیرون میروند باید از وادی رانونا<sup>۴۸</sup> عبور نمایند که در فصل بهار

هنگام طغیان آب آب مزبور بمیان شهر جاری گردیده و از کنار شهر گذشته بآب وادی بظمان ریخته، و این دو وادی نیز بوادی عقیق متصل میشود و در وسط راه از دولت عثمانی قراولخانه ساخته اند، توپ و سرباز در آنجا هست و تمامی اراضی این حول و حوش شورزار است، میگویند خرما در زمین شورزار بهتر بعمل آید، شاید در این قسم از زمین شورزار خرما خوب شود و قاعده کلیه نداشته باشد، بدلیل اینکه در اینجا با این شوری زمین اکثر جاها آبش شیرین است. و در شرقی این مسجد بفاصله ده دقیقه مسجد فضیح در قریه قربان واقع شده و مسجد مزبور مخروب است طولش تقریباً بیست ذرع و عرض سه ذرع قدری از این مسجد را بچوب خرما پوشیده اند و بیشترش سقف ندارد و صحن هم دارد که دیوار دور او باقی است، وقتی حضرت رسول الله بنی النظیر را محاصره فرمودند خیمه مبارک را در نزدیکی این مسجد زده و شش شب در این مکان نماز خواندند و بقولی حضرت امیر المؤمنین در همین مسجد فضیح ردّ شمس نمودند. و در میانه این دو مسجد مسجد شمس که شارب امّ ابراهیم نامند در دامنه کوه کائن است و مشربه امّ ابراهیم از عوالی مدینه و عبارت از ماریه قبطیه مادر ابراهیم پسر حضرت رسول الله است که حضرت یکماه بر زنان خود خشم فرموده در اینجا اقامت نمودند، مسجد کوچکی از سنگ در اینجا ساخته اند. اکنون خراب شده و سقف ندارد. دیوار طرف قبلی آن آباد است و سه طرفش خراب، صدهزار افسوس دارد از همچو مساجد و اماکن شریفه که محل نزول ملائکه و قرآن و معبد حضرت پیغمبر آخر الزمان بوده، اعراب آنقدر تغافل نموده و همه را خراب کرده اند و در آبادیش هیچوجه کوشش و سعی نمی نمایند که عنقریب منهدم خواهد شد.

چون بنده درگاه در این مساجد شریف بهمراهی نواب والا شاهزاده حاجبی معتمد الدوله رفته و نماز خوانده همیشه این محبت را که فرمودند در نظر دارم [ ... سه سطر را قلم زده است ] .

آبی که بمدینه بواسطه قنات جاری است از دامنه همین کوه قبا است. بلندی

این زمین قباست چنانچه مذکور شد که در بهار فصل طغیان آبهای اطراف قبا بمیان مدینه جاری شده و از یهلوی شهر گذشته و بقریه الغابه مذکوره ساری، بعد مخلوط بآب وادی بظمان میشود .

### دقیقه

این آب را عین ذرقا گویند که از میان چندین چاه و شهر جاری میشود، یکی از چاههایش را عین ادریس گویند که این چاه در ناحیه قبا واقع و بنهایت آبش با مزه است که بواسطه آب دهان مبارک حضرت رسول الله برکات پیدا کرده [ ... دو ونیم سطر را قلم زده است ] و نخلستان و باغات و سبزی کاری زیاد در قراء اطراف مدینه بخصوص در همین حول و حوش قریه قبا دارد . و قرینین، قربان و عوالی در غربی قریه قبا بیست و یک ساعت و نیم تقریباً واقعست . در مشرق مدینه بفاصله ربع ساعت قریه مائده واقع گردیده و سه ربع ساعت که از این قریه میگذرد بمدفن سیدنا علی العرید یا علی العریض، که از اولاد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است میرسد و این امامزاده در حره سیاه یعنی ریگستان سیاه واقع شده که محل عبور حاج جبلی از یهلوی هسین امامزاده است و حره مابین مشرق و جنوب مدینه واقع گردیده . در جنوب و مغرب مدینه حره بنی النظیر است که قتل یزید این معاویه در ماه ذی الحجة الحرام شصت و سه هجری در آن مکان واقع شده که اکنون قبور حره در آنجا معروف است [ ... پنج سطر آخر را قلم زده است و پس از آنها نسخه را ناتمام گذاشته ] .

ربنا لاتؤخذنا ان نسینا او اخطانا . در اینجا نسخه ب تعریف المدینه -  
پایان می رسد .



## یادداشتها

۱- یَبْنَع : نام شهرک کوچکی است نزدیک مدینه و نام آن در حدیث آمده است. ابن سعید گوید: در یبنع چشمه‌ها و بازارها و درّی است. منازل فرزندان حسن بن علی (ع) آنجاست. ابن حوقل گوید: یبنع قلعه‌ای است دارای آب و نخل و کشتزار. در آنجا موقوفه‌ای است از آن علی بن ابی طالب (ع) که فرزندانش متولی آن هستند. از جانب مشرق کوه رضوی بر آن مشرف است. [ابوالفداء، تقویم البلدان ترجمه عبدالمحمد آیتی؛ ۱۲۲-۱۲۳].

۲- باستیان = باستیون (Bastiyon) قلعه‌ای که در آن اسلحه و ابزار جنگی ذخیره کنند.  
 ۳- احقاف: نام سرزمینی است بین عمان و مَهْرَة [مرصداالاطلاع: ۳۸/۱] ابن بطوطه گوید: در فاصله نصف روز از ظفار، شهر احقاف که محل منازل قوم عاد است واقع شده و در آنجا زاویه‌ای و مسجدی وجود دارد که در ساحل دریا ساخته شده و پیرامون آن قریه‌ای است که مسکن ماهیگیران است. در درون زاویه مزبور قبری دیده می‌شود که روی آن نوشته است: «این قبر هود بن عابر است». و من بیشتر گفتم که در مسجد دمشق هم قبری با نوشته‌ای بدین مضمون وجود دارد، اما به نظر می‌رسد قبری که در احقاف است نسبتش به آن حضرت صحیح‌تر باشد زیرا مرزوبوم هود در همین حوالی بوده است. ابن بطوطه در جای دیگر گوید: من در نزدیک شهر ظفار یمن نیز در محلی که احقاف نامیده می‌شود بنائی دیدم که در آن قبری بود و روی قبر این عبارات نوشته بودند: هذا قبر هود بن عابر صلی الله علیه و سلم. [سفرنامه ابن بطوطه: ۲۸۷/۱ و ۲۸۸].

۴- یمامه : نام شهری است پایین‌تر از مدینه الرسول (ص)، در آنجا بود که مسیلمه کذاب دعوی پیامبری کرد. فاصله یمامه از بصره و کوفه شانزده مرحله است و در سمت شرقی مکه در سرزمینی هموار است. الحساء و قطیف در چهار منزلی مشرق یمامه واقع شده‌اند.

[ترجمه تقویم البلدان: ۱۳۵]

۵- به این نام شهری نجستیم، ممکن است «شجره» باشد که در شش میلی مدینه قرار گرفته

است [مراصداالاطلاع: ۲/۷۸۴] و یا این که «شَحْر» به کسر شین نقطه دار و سکون حاء بی نقطه که نام بلده کوچکی است میان عدن و ظفار . [ترجمه تقویم البلدان: ۱۱۶].

۶- هَجْر: نام یکی از شهرهای بحرین است [ابن خردادبه: المسالك والممالك: ۱۵۲].

ابن بطوطه گوید هجر نام شهری از شهرهای بحرین است که اکنون «حسا» نامیده می شود [سفرنامه ابن بطوطه: ۱/۳۰۸]. صفی الدین بغدادی گوید برخی بر آنند که هَجْر نامی است که به همه بحرین اطلاق شود [مراصداالاطلاع: ۳/۱۴۵۲].

۷- نَجْران: نام شهر کوچکی است در یمن. در بحرین و دمشق هم شهری است به همین نام.

[مراصداالاطلاع: ۳/۱۳۵۹ و ۱۳۶۰].

۸- حِجْر: نام موضعی است در «وادی القری» که در بین مدینه و شام واقع شده و دیار

ثمود و مساکن آنها در این محل بوده است. و حِجْر: به ضم اول و سکون دوم نام قریه ای است در یمن.

[مراصد: ۱/۳۸۱].

۹- دیار قوم عاد سرزمین «احقاف» است که قبلاً بدان اشاره رفت و مسکن قوم ثمود

هم «حِجْر» بوده چنانکه گذشت .

۱۰- بئر معطله در آیه ۴۴، از سوره حج آمده که برخی از مفسران آن را بر «رس» که

در سوره های فرقان و ق منطبق می کنند، و اشاره است به آیه: فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا

وَ هِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَ بئُرٌ مَعْطَلَةٌ وَ قَصْرٌ مَشِيدٌ. ابوالفتوح

گوید: بئر معطله و قصر مشید در حَضْر موت که همان «احقاف» است و صالح پیامبر در آن جا

در گذشته است. [تفسیر ابوالفتوح: ۸/۱۰۴].

۱۱- کِنْدَه: نام قبیله ای است در یمن. [مراصد: ۱۱۸۱].

۱۲- جبل طی: حاجیان که از کوفه به مکه می روند چون به بلده «فید» می رسند، راه نیمه

می شود، از آن جا تا «اجأ» و «سلمی» که نام دو کوه طی است سی و شش میل می باشد، این دو کوه

طی میان فید و ثعلبیه واقع است. [ترجمه تقویم البلدان: ۱۳۳].

۱۳- اشاره است به آیه ۱۵۰، سوره شعراء: « وَ تَنحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا

فارهین». که درباره قوم ثمود آمده است و مسکن آنها در «حِجْر» بوده که تا «وادی القری»

پنج روز راه فاصله است و وادی القری به نقل مراصداالاطلاع محلی است بین مدینه و شام و به قول

ابن خردادبه در راه مصر به مدینه و واقع شده است، ابوالقداء به نقل از ابن حوقل گوید: حِجْر سرزمین

قوم ثمود بود و نرمیان کوههاست و مز آن کوهها و خانه‌هایی را که در آنها کنده‌اند و خدای تعالی از آنها خبر داده : و تتحتون ... دیده‌ام. این کوهها را ائالب گویند . و من می گویم که : این همان کوههاست که حاجیان شام هنگام عزیمت بهمکه بر آنها فرود می آیند . « ائالب » را با « العلی » نصف مرحله فاصله است . و روایت شده که رسول خدا از نوشیدن آب آن نهی فرمود . دکتر محمد خزائلی گوید : حجر شهری بونده است در یک منزلی « وادی القری » و در جنوب « تبیه » در مسیر کاروان مدینه و شام قرار داشته است . امروز آن شهر ویران گردیده و حجر بر وادی « میرک الناقه » و « بئر الغسم » اطلاق می شود و در این وادی فعلاً چند قریه و چند چشمه آب وجود دارد که کاروانها در کنار آن چشمه‌ها می آسایند و چهارپایان خود را آب می دهند .

شهر قدیم حجر یکی از شهرهای تجاری عربستان بوده و آن قدر اهمیت داشته که بطایموس به عنوان یک شهر تجاری از آن نام برده است . در زمان « پلین » جغرافیدان رومی نیز این شهر به نام "Hebra" آبادان بوده و محل تجارت و مرکز روابط بازرگانی به شمار می رفته است . در مغرب حجر کوهی است مرکب از پنج صخره ، دخمه‌هایی در آن تراشیده شده که به ترتیب « قصر البنت » و « بیت الشیخ » و « آکریهات » و « محل المجلس » و « دیوان » نام دارند .

در این صخره‌ها کتیبه‌هایی موجود است و در دیوار محل المجلس و دیوان ، نقوش پیرندگان دیده می شوند . « دوگتی » نخستین کسی است که این ناحیه را در ۱۸۷۶-۷۷ سیاحت کرده ، وی معتقد است که این بناهای سنگی مقابر بزرگان قبیله بوده است . گرچه به دست آمدن بقایا و اسکت انسانی عقیده او را تأیید می کند ، لکن سامی این بناها با نظر وی منافات دارد . بیت الشیخ و محل المجلس و دیوان برای نام گذاری مجامع و محل تشکیلات حکومتی مناسب است . قصر البنت باید قاعه دختر ترجمه شود و این نام هم مناسب مقبره مردگان نیست . بعد از « نوگتی » مستشرق دیگری « آلساسی هوبر » یکبار در سال ۱۸۷۹ و بار دیگر به همراهی « اتینگ » در سال ۱۸۸۴ حجر را سیاحت کرده است با این همه هنوز نقوش و کتیبه‌های « العلا » بطور کامل قرائت نشده و اطلاع زیادی از این ناحیه در دست نیست . همین قدر مسلم است که ناحیه حجر وقتی آباد بوده و قبایل متمدنی از شعب قوم ثمود در این ناحیه زندگانی می کرده‌اند و سپس دستخوش زلزله یا حادثه طبیعی دیگر شده و هلاک گردیده‌اند .

خلاصه این که « بیوت فارهین » همان آثار و مساکن قوم ثمود است که از طول عمر بهره‌مند بوده‌اند و بناهای محکم از سنگ می ساخته‌اند چنان که در قرآن مجید به باقی بودن آن

آثار و کوه تراشی آنان اشاره شده است و مؤلف این سفرنامه با توجه به آیه کریمه بدان اشاره کرده است .

[مرآة الاطلاع: ۱۴۱۷/۳ و ترجمه تفویم البلدان، ۱۲۱ و المسالك والممالك ۱۵۰ و اعلام القرآن ۲۹۰ و تفسیر ابوالفتوح: ۲۵۶/۸].

۱۴- **أَيْلَه**: شهر کی بوده است واقع در ساحل شرقی خلیج قازم و در زمان حضرت داوود اهمیتی داشته و به روزگار حضرت سلیمان به عنوان يك ناحیه آباد از آن سخن به میان آمده است. مفسران و نویسندگان قصص الانبیاء از جمله ثعلبی گویند مراد از آیه کریمه ۱۶۳ سورة اعراف: وَ سَأَلَهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ اِذْ يَعْسِدُونَ فِي السَّبْتِ اِذْ تَأْتِيهِمْ حَيَاتَانَهُمْ ... : قریه مذکور در این آیه، قریه «أَيْلَا = أَيْلَه» است که اصحاب سبت در این قریه اقامت داشته اند و بواسطه مجاورت با دریا شغلشان ماهیگیری بوده و به آن کيفر در زمان حضرت داوود دچار شده اند . صفی الدین بغدادی، **أَيْلَه** را سرحد حجاز و مرز شام می داند و همو گوید : **أَيْلَه** نام کوهی است در نینع در میان مکه و مدینه. [اعلام قرآن: ۱۵۳ و مرآة الاطلاع: ۱۳۸/۱].

یعقوبی گوید : مردم از قازم در بیابانی و صحرائی، شش منزل راه تا **أَيْلَه** می روند و برای این شش مرحله آب همراه می برند و شهر **أَيْلَه** شهری است با شکوه بر ساحل دریای شور و حجاجیان شام و حجاجیان مصر و مغرب آن جا گرد می آیند و داد و ستدهای بسیار دارد و اهالی آن مردمی بهم آمیخته اند ... [البلدان: ۱۱۹].

۱۵- به کتابهای: [ترجمه تفویم البلدان: ۹۴ و ۳۰۳ و مرآة الاطلاع: ۸۹۶ و اعلام قرآن:

۴۰۲ و ۵۷۳ مراجعه شون] . **رِثَالُ مَاعِ عِلْمِ اسْمَانِي**

۱۶- شاید مراد آیه ۳۰، سورة كهف باشد؟ : « اِنَّا لَانُضِيعُ اُجْرًا مِّنْ اَحْسَنَ عَمَلًا »

۱۷- **تِهَامَه**: جلگه پست که شامل سرزمینهایی از مدینه تا مکه و جدّه است. [مرآة:

۲۸۳/۱].

۱۸- ناحیه نجد میان حجاز و احساء و احقاف در جنوب صحرای شام واقع است و از جانب شرق به عراق می پیوندد و بیشتر سرزمینهای نجد مرتفعات شنی است ولی در واحه های آن درخت عرار و قیسوم و نوعی کاج می روید، به علاوه دارای مراتع خوبی است و به همین مناسبت شتر و اسب این ناحیه شهرتی دارند . شهر عمده آن رباح است که فعلاً پایتخت دولت سعودی است . شهر

حجر در این ناحیه واقع بوده و عمالقه نیز در نجد و حجاز ساکن بوده‌اند .

۱۹- جزیره العرب به پنج ناحیه تقسیم می‌شود . تهامه، نجد، حجاز، عروض، یمن که عروض، یمامه است تا بحرین .

۲۰- یمامه در سمت شرقی مکه، در سرزمینی هموار است، پایین‌تر از مدینه الرسول، فاصله یمامه از بصره و کوفه شانزده مرحله است. الحما و قطفیف در چهار منزلی مشرق یمامه واقع شده‌اند . بیشتر مفسران معتقدند که اصحاب رس طایفه‌ای بوده‌اند که در یمامه می‌زیسته‌اند و پیغمبری به نام «حنظله» برایشان مبعوث شده و آنان وی را تکذیب کرده‌اند .

۲۱- مَنْ : ماده‌ای است چسبناک که از استحالات شیرۀ پرورنۀ گیاهی است و از ترکیب قندهای مختلف تشکیل شده و بطور طبیعی یا بر اثر گزش حشرات و یا با ایجاد شکاف در تنه غالب درختان به خارج تراوش می‌کند . این ماده در ابتدای تراوش مانند شربت است ولی پس از مدتی در برابر هوا منجمد می‌شود و به نوعی شکرک تبدیل می‌گردند . کلمه «مَنْ» عبری است و در تورات و قرآن ذکر شده است و غذایی است که خدا برای بنی اسرائیل فرستاد: «و ترلنا علیکم المن والسلوی» و آنان در مدت چهل سال، سرگردانی از آن تغذیه کردند تا به سرحد کنعان رسیدند. مجاهد گفت: این مَنْ مانند صمغ بود که بر درختان افتادی، رنگ رنگ صمغ بود و طعم طعم شهد، سدی گفت: عسل بود که به وقت سحر بر درختان افتادی. ضحاك گفت: ترنجبین است...

مَنْ : گیاهان مختلف تشکیل می‌شود و مخصوصاً بیشتر از درخت زبان گنجشک است. استخراج می‌گردند، و اقسام مختلفش برای درمان بیماریهای سینه و لیت مزاج به کار می‌رود . کلیۀ انواع «مَنْ» به دو دسته تقسیم می‌شوند :

۱- دارویی از قبیل شیرخشت و بیدخشت و ترنجبین و شکر تیغال که مورد استفاده دارویی

دارند .

۲- مَنْ های خوراکی از قبیل گرانگبین و گز علفی که برای تهیه شیرینی گز به کار

می‌روند .

۲۳- گیاه معروفی است که دارای انواع مختلف است از آن جمله سنای مکی .

۲۴- بلیسان = بَلَسَان: گیاهی از تیره سداییان که به صورت درختچه است و گل‌های سفیدی دارد . همه اعضای این گیاه محتوی ماده صمغی است که در صورت خراش یا نیش حشرات ایمن

ماده صمغی از آن خارج می‌شود .

۲۵- نیل: به کسر اول گیاهی است درختچه‌ای از تیره پروانه‌داران، دارای برگ‌های مرکب شانه‌ای. در حدود ۲۵۰ نوع از این گیاه شناخته شده که همگی به نواحی گرم کره زمین تعلق دارند و بیشتر به منظور استفاده ماده آبی رنگ از برگ آنها کشت می‌شوند .

۲۶- مَقْل ازرق = ملك ازرق: درختی است از تیره بورسراسه و از رده دولپه‌ای‌های جدا گلبرگ که مخصوص نواحی گرمسیر است. از این درخت صمغ رزینی «صمغ سقر» حاصل می‌شود که به عنوان قابض به کار می‌رود . به علاوه دارای خواص ضد دردهای بواسیری و نفرسی می‌باشد .

۲۷- مِیَعَه: ماده‌ای رزینی که از جنس سقر که از انواع مختلف کاجها به دست می‌آید .

۲۸- قَسْطُ: معرب یونانی است، نام گیاهی است از تیره زنجبیل‌ها که در حدود ۱۵ گونه آن شناخته شده و همه متعلق به منطقه گرمسیری است .

۲۹- نَسْنَس: میهون آدم‌نما از قبیل گوریل، شامپانزه، اورانگوتان و غیره .

۳۰- شتر جَمَّازَه: شتر تندرو .

۳۰- اَسْمَر: گندم گون .

۳۱- مَلَبُوس: پوشاک .

۳۲- صَبْح: نام ناحیه‌ای است در «یمامه» .

۳۳- سوره آل عمران، آیه ۱۲۳ .

۳۴- رَضُوا = رَضَوی: نام کوهی است مشرف بر یمن که تا مدینه چهار مرحله است و این همان کوهی است که «کیسانیه» معتقدند که محمد بن علی معروف به محمد حنفیه در آن جا حقیق است .

۳۵- دشت آبادی است که کشت و زرع و نخل فراوان دارد و در مسیر حجاج قرار گرفته و از آن جا تا «بَدْر» یک مرحله فاصله است و چشمه‌های زیادی در آن بوده که از یمن و رضوی می‌گذشته است .

۳۶- قَوْلَاج، قَلَاج: واحد طول معادل درازی هر دو نیست. «فرهنگ معین» .

۳۷- آبار، جمع بئر، چاهها .

۳۸- حَب البان: نام گیاهی است که به آن «جوز بویا» نیز گویند .

۳۹- حضرت علی بن ابیطالب (ع) نیز در مکه تولد یافتند .  
 ۴۰- چاه بضاغه : که در احادیث نیز آمده است در دار بنی ساعده در مدینه طیبه بوده است .

۴۱- چاه اربیس : نام چاهی است در مدینه، در قبا، برابر مسجد قبا، که انگشتری پیغمبر (ص) از دست عثمان در آن افتاد و برای یافتنش بسیار کوشید و موفق نشد .

۴۲- جِرَز : پایه ساختمان که از سنگ و آجر سازند .

۴۳- ذرع شاد : مقیاس طول معادل ۱/۱۲ متر است .

۴۴- بلال حبشی، ابو عبدالله، بلال بن رباح حبشی متوفی به سال ۲۰ هجری قمری مؤذن

معروف پیغمبر اکرم (ص) و از سابقین در اسلام. تا وفات پیغمبر (ص) اذان گفت و پس از آن دیگر هیچ اذان نگفت .

۴۵- اهل سنت گویند که پیغمبر اکرم (ص) ده نفر از صحابه را بدبخت بشارت داده است

و آنها را «عشره مبشره» گویند و نام آن ده نفر به ترتیبی که شماره می کنند بدین شرح است:

۱- ابوبکر بن ابی قحافه، ۲- عمر بن خطاب، ۳- عثمان بن عفان، ۴- علی بن ابیطالب (ع)

۵- طلحه بن عبیدالله بن عثمان، ۶- زبیر بن العوام، ۷- سعد بن ابی وقاص، ۸- سعید بن زید بن

عمر و بن نفیل عدوی قرشی، ۹- عبدالرحمن بن عوف، ۱۰- ابو عبیده بن جراح.

۴۶- دولابچه : گنجی کوچک در دار که در دیوار تعبیه کنند باشد .

۴۷- سوره توبه، آیه ۱۰۸: *رَبُّشَکَاوَهٗ عَلٰوْمِ اِنْسَانِی وَّمَطَالَعَاتِ فَرٰغِنِی*

۴۸- رانوان : نام وادی ای است در مدینه طیبه .  
 پرتال جامع علوم انسانی